

ارزیابی ادعای تأثیر

حکومت اسلامی

بر افول دین‌داری در جامعه



حسین بهشتیان

حکومت اسلامی مبتنی بر نظام ولایت فقیه با تکیه بر مبانی دینی کلامی و فقهی، با هدف تحقق دین در جامعه شکل گرفته است؛ بنابراین، امروزه پس از گذشت بیش از چهار دهه از عمر این نظام، برخی اندیشمندان اجتماعی با مشاهده نشانه‌هایی به این نتیجه رسیده‌اند که نظام ولایت فقیه بر خلاف انتظار اولیه، موجب رشد سکولاریسم و افول دین‌داری در جامعه شده است.

زمین به آنها قدرت ببخشیم، نماز را بر پا می‌دارند، زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

بنابراین، امروزه پس از گذشت بیش از چهار دهه از عمر این نظام دینی، برخی اندیشمندان اجتماعی با مشاهده نشانه‌هایی از افول دین‌داری در جامعه به این نتیجه رسیده‌اند که نظام ولایت فقیه بر خلاف انتظار اولیه، موجب رشد سکولاریسم و افول جایگاه دین شده است، حتی گاه ریشه این مشکل را در ماهیت این نظام به عنوان نظامی ایدئولوژیک به شمار آورده‌اند.^۳

در نوشتار حاضر، این مطلب مفروض است که با توجه به واقعیت ناهمگون و دوقطبی جامعه ایران، دو جریان دین‌داری و بی‌دینی در آن به صورت موازی و همزمان تاکنون به وجود آمده و هم‌چنان به پیش خواهند رفت؛ اگرچه درجه‌ای از افول دین‌داری در میان بخش‌هایی از گروه‌ها و اقشار جامعه ایران به وقوع پیوسته است؛ ولی نشانه‌های قوت گرفتن دین‌داری در میان بخش‌های دیگری از جامعه آشکارا به چشم می‌خورند؛ از این‌رو هدف این نیست به بررسی ادعاهای ساده‌انگارانه درباره تأثیر بالفعل نظام ولایت فقیه بر قوت یا ضعف دین‌داری در جامعه ایران بپردازیم - ادعاهایی که به دلیل فقدان داده‌های تجربی موثق در اغلب موارد تأییدپذیر نبوده و فقط کارکرد سیاسی و جنبه تبلیغاتی دارند - بلکه تلاش شده است تا نقاط قوت و ضعف نظام ولایت فقیه از حیث تأثیرش بر

این مقاله بر مبنای دیدگاه تجویزی اسلام درباره نظام ولایت فقیه و با الهام‌گیری از روش «Swot» می‌کوشد نقاط قوت و ضعف نظام ولایت فقیه از حیث تأثیرش بر دین‌داری مردم را شناسایی و تحلیل کند و در نهایت، راهکارهایی در این زمینه ارائه دهد؛ از یک سو یافته‌ها نشان می‌دهند، ظرفیت‌های اعتقادی مردم درباره روحانیت، سجایای اخلاقی خود روحانیان در ادوار گذشته، فرصت‌های نوین به وجود آمده برای نقش‌آفرینی روحانیت در دوران معاصر و دستاوردهای مثبت نظام ولایت فقیه، اثربخشی این نظام در تقویت دین‌داری را افزایش داده است و از سوی دیگر، برخی کاستی‌های عملکردی حاکمیت؛ از جمله بی‌توجهی به حقوق مردم از سوی حاکمان، اتخاذ سیاست‌ها و تصویب قوانین ناسازگار با الگوی زندگی مؤمنانه، ناکارآمدی نظام کیفری و ورود ناموجه برخی روحانیان به عرصه فعالیت‌های حکومتی، در افول سطح دین‌داری در جامعه مؤثر بوده‌اند.

واژگان کلیدی: ولایت فقیه، حکومت دینی، حکومت اسلامی، دین‌داری، سکولاریسم

مقدمه

حکومت اسلامی مبتنی بر نظام ولایت فقیه با تکیه بر مبنای دینی کلامی و فقهی، با هدف تحقق دین در جامعه به وجود آمده است؛ چنان‌که می‌توان این مطلب را از آیه قرآن کریم الهام گرفت که می‌فرماید: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ»^۲ کسانی که اگر در

می‌شوند و این بدان معناست که ارزیابی کلی عملکرد همه این نهادها و کارگزاران در بحث پیش رو مورد توجه خواهد بود.

در ارتباط با پیشینه این تحقیق به نظر می‌رسد بررسی این موضوع در قالب پژوهش‌های مستقل، مسبوق به سابقه نبوده و تنها در قالب برخی مصاحبه‌ها و گفت‌وگوها به آن پرداخته شده است؛^۴ البته برخی آثار نیز ارتباط حکومت دینی و دین‌داری را به صورت فرعی یا از زوایای دیگری بررسی کرده‌اند که در این تحقیق مورد نظر نیستند؛ برای مثال، می‌توان به کتاب سیاست و دینداری در اسلام: بازخوانی آراء و اندیشه‌های مصطفی ملکیان درباره حکومت دینی، سکولاریزم و رابطه این دو (۱۳۹۴) نوشته محمد کریمی پرویز، کتاب نقدی بر حکومت‌های دینی (مدینه‌ای به غایت فاضله) (۱۳۹۷) نوشته سیدمحمد صادقی و مقاله «بررسی کارویژه‌های روحانیت در تعامل با نظام جمهوری اسلامی به مثابه مؤثرترین ساختار سیاست سبک زندگی و دین‌داری از منظر رهبران انقلاب» (۱۳۹۹) نوشته سید محمدحسین هاشمیان و سید علی میرمطلبی اشاره کرد.

روش تحقیق

در این تحقیق با تکیه بر راهبرد پژوهش استقرایی و با الهام از مدل «Swot»، به گردآوری و تحلیل داده‌ها می‌پردازیم. در این جهت، صرف نظر از قرآن و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام که در بخش مبنای دینی ولایت فقیه به طور گذرا به آنها استناد خواهد شد، در بخش اصلی

دین‌داری مردم را شناسایی و تحلیل کرده و در نهایت، راهکارهایی در این زمینه ارائه کنیم. نقاط قوت، شامل دو محور ظرفیت‌ها و فرصت‌هاست. منظور از ظرفیت‌ها، قابلیت‌های درونی نظام ولایت فقیه برای تقویت دین‌داری است که ریشه در مبانی فلسفی، کلامی و تاریخی این نظام دارند. فرصت‌ها نیز ناظر به زمینه‌های مساعدی است که در دوره معاصر پدید آمده و نظام ولایت فقیه را برای تقویت دین‌داری توانمندتر ساخته است؛ هم‌چنین در بخش نقاط ضعف نیز کاستی‌های عملکردی نظام ولایت فقیه در زمینه تقویت دین‌داری بررسی خواهد شد. بنابراین، پرسش این تحقیق آن است که نقاط قوت و ضعف نظام ولایت فقیه از حیث تأثیر آن بر دین‌داری در ایران معاصر کدام است و چه راهکارهایی برای بهبود عملکرد این نظام در خصوص مسئله دین‌داری می‌توان پیشنهاد کرد؟

از سوی دیگر، نگاه این نوشتار به موضوع ولایت فقیه، نگاه فردمحور نیست، بلکه نگاه کلان و ساختاری است؛ یعنی به جای محدود شدن به عملکرد ولی فقیه به عنوان یک فرد، عملکرد نظام حکومتی مبتنی بر ولایت فقیه مد نظر خواهد بود؛ از این رو، نظام ولایت فقیه به نظام واره‌ای از نقش‌های معطوف به تشکیل حکومت اسلامی و هم‌چنین اداره همه‌جانبه آن پرداخته است که از طریق نهادهای قانون‌گذاری، اجرایی و نظارتی و به وسیله کارگزاران هر بخش اعمال

پژوهش؛ یعنی بیان نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و کاستی‌ها، عمده داده‌ها برگرفته از آثار مکتوب صاحب‌نظران مباحث حوزه و روحانیت، اعم از اندیشمندان حوزوی و غیر حوزوی؛ به‌ویژه دیدگاه‌های امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری مدظله خواهند بود؛ افزون بر این از برخی داده‌های تجربی و آماری گزارش شده در منابع موجود نیز استفاده خواهد شد.

مبنای دینی ولایت فقیهان

اندیشه ولایت فقیهان در دوران غیبت، صرف‌نظر از اختلاف قرائت‌ها درباره گستره آن، از گذشته‌های بسیار دور در میان فقهای شیعه امری مسلّم و به گفته محقق نراقی رحمته الله اجماعی بوده است و شاید نتوان فقیه‌ی رایف‌ت که آن را به کلی انکار کرده باشد.^۵ برای اثبات ولایت فقیه، به دلایل عقلی و نقلی استناد شده است. برحسب خوانشی از دلیل عقلی که بزرگانی، مانند امام خمینی علیه السلام مطرح کرده‌اند، ولایت فقیه امتداد ولایت رسول خدا و ائمه طاهریں علیهم السلام و در جهت تحقق بخشیدن به اهداف آنان در دوره غیبت امام معصوم علیه السلام است.

امام خمینی علیه السلام مطرح کرده‌اند، ولایت فقیه امتداد ولایت رسول خدا و ائمه طاهریں علیهم السلام و در جهت تحقق بخشیدن به اهداف آنان در دوره غیبت امام معصوم علیه السلام است؛ از این رو، باید مسئله‌ای کلامی قلمداد شود که مبتنی بر همان ادله عقلی امامت است، نیز خوانش دیگری از دلیل عقلی که از سوی عده‌ای از فقها مطرح شده، گستره ولایت فقیه را به

امور حسبیّه محدود کرده؛ یعنی اموری که به‌یقین می‌دانیم شارع مقدس به ترک و اهمال آنها راضی نیست و در عین حال، شخص یا اشخاص معینی را متولّی آنها قرار نداده است، در چنین مواردی فقیه جامع‌الشرایط از باب اخذ به قدر متیقّن تعین خواهد داشت؛^۶ هم‌چنین تقریرهای دیگری از دلیل عقلی ارائه شده است.^۷

از میان دلایل نقلی فراوانی که مورد استناد قرار گرفته‌اند،^۸ دو حدیث را یادآوری می‌کنیم: نخست، سخن امیرمؤمنان علی علیه السلام است که می‌فرماید: «آگاه باشید! به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، سوگند می‌خورم که اگر حضور مردم و اتمام حجت [بر من] به سبب وجود یاوران نبود و این که خداوند از علما تعهد گرفته که در برابر پرخوری ستمگر و گرسنگی ستم‌دیده بی‌تفاوت ننشینند، افسار شتر خلافت را بر پشتش می‌انداختم تا هر کجا که

می‌خواهد بچرد، خلافت را رها می‌کردم.»^۹ بر اساس این روایت، عالمان دین^{۱۰} در صورتی که مورد اقبال و حمایت مردم قرار گیرند، شرعاً موظف‌اند برای احقاق حقوق ستم‌دیدگان و برقراری عدالت در جامعه قیام کنند.

در حدیث دوم که از امام رضا علیه السلام نقل شده است،^{۱۱} حضرت برای اثبات ضرورت امامت بر نکاتی مانند لزوم اجرای حدود و احکام

برای اثبات ولایت فقیه، به دلایل عقلی و نقلی استناد شده است. برحسب خوانشی از دلیل عقلی که بزرگانی، مانند امام خمینی علیه السلام مطرح کرده‌اند، ولایت فقیه امتداد ولایت رسول خدا و ائمه طاهریں علیهم السلام و در جهت تحقق بخشیدن به اهداف آنان در دوره غیبت امام معصوم علیه السلام است.

نظامی در ذات خود اثر ضددینی داشته باشد و موجب کاهش دین‌داری شود؛ چراکه این امر با حکمت الهی و قاعده تناسب تشریح و تکوین در تعارض است؛ البته این که آسیب‌های عَرَضی ناشی از کاستی‌های عملکردی اجزای این نظام، به تضعیف دینداری در جامعه بینجامد، امری محتمل است.

نقاط قوت نظام ولایت فقیه در مسئله دین‌داری

در زمینه نقاط قوت نظام ولایت فقیه در زمینه گسترش و تعمیق دین‌داری بر اساس داده‌های به‌دست آمده، مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و دستاوردها شناسایی شدند که در جدول ذیل به آن‌ها اشاره شده است:

الهی، لزوم اقامه مناسک جمعی، جلوگیری از بدعت‌ها، شبهات و تحریف‌های دینی، جلوگیری از کهنگی آیین و زوال دین، دفع ستمگران، تقسیم اموال عمومی و پاسداری از رسالت پیامبر ﷺ تأکید کرده است. بی‌گمان، این نکات به زمان حضور امامان معصوم علیهم‌السلام اختصاص ندارند و مشروعیت ولایت فقیهان عادل و امین در زمان غیبت را نیز نفی نمی‌کنند.

بنابراین، منظور از طرح این بحث، بررسی مستقل ادله ولایت فقیه نیست که موضوعی خارج از هدف این مقاله است، بلکه مراد گوش‌زد نمودن این نکته است که بنا بر این اعتقاد که نظام ولایت فقیه مبتنی بر مبانی دینی است و در دایره مطلوبیت‌های دینی قرار می‌گیرد، اصولاً معقول نیست که چنین

کمپفر، ۱۴۰۰؛ الگار، ۱۳۹۶	اعتقاد شیعیان به جایگاه نیابت فقیهان از امام معصوم <small>علیه‌السلام</small>	فقه
ویژگی‌های مشترک سیاسی، اخلاقی و مدیریتی امامین انقلاب، http://www.shoma-weekly.ir	شایستگی‌های رهبران نظام	فقه
بیانات در دیدار مردم استان بوشهر، https://farsi.khamenei.ir	عدالت خواهی و مردم‌داری روحانیت	فقه
رضایت‌مندی هفتاد درصدی مردم نتیجه اقدام جهادی قوه قضائیه است، https://farsi.khamenei.ir	دستاوردهای نظام در حوزه فضا	فقه
بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، https://farsi.khamenei.ir ؛ عباسی، ۱۳۹۹	دستاوردهای نظام در زمینه‌های علم و فناوری	فقه
بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، https://farsi.khamenei.ir	بسترسازی و حمایت نظام ولایتی از مراسم دینی	فقه
بیانات در دیدار اعضای هیأت‌های نظارت شورای نگهبان، https://farsi.khamenei.ir	تقویت جایگاه فقه در حیطه قانون‌گذاری	فقه

نقش روحانیت در افزایش کارآمدی نظام اسلامی	بیانات در دیدار کارگزاران نظام، https://farsi.khamenei.ir
نوآوری‌های مفهومی، محتوایی و گفتمانی در نظام حکمرانی ولایت فقیه	بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، https://farsi.khamenei.ir بیانات در دیدار مسئولان نظام، https://farsi.khamenei.ir

راه به آن متعهد نشان دهند.^{۱۲} پس از آن نیز شاهد گسترش فزاینده این اندیشه هستیم، تا این که با آغاز دوره قاجاریان، به اوج شهرت خود می‌رسد و قبول عام می‌یابد.^{۱۳} بی‌تردید اگر چنین باوری در کار نبود، هیچ زمینه‌ای برای تشکیل حکومت اسلامی به ریاست یک فقیه و عالم دین وجود نداشت؛ هم‌چنان که ایستادگی آن بیش از چهار دهه در برابر شدیدترین فشارها و توطئه‌های داخلی و خارجی امکان‌پذیر نبود و همین باور دینی است که می‌تواند تداوم و استحکام این نظام و به تبع، موفقیت آن در تقویت

دینداری را تا حد زیاد تضمین کند.

بنابراین، نباید به ویژگی‌هایی؛ همچون اخلاق‌مداری، ساده‌زیستی، عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی و مردم‌داری روحانیان در طول قرن‌های متمادی اشاره کرد که موجب جلب اعتماد عمومی به ایشان گردیده و زمینه همراهی بسیاری از مردم با آنان در مداخلات حکومتی و ایفای نقش‌های ولایی را تقویت کرده است. این ظرفیت‌ها روحانیت

در توضیح جدول باید گفت: یکی از ظرفیت‌های مهمی که نظام ولایت فقیه از آن برخوردار است و همان باعث شکل‌گیری جنبش‌های گوناگون دینی؛ به‌ویژه در ایران و عراق طی ۱۵۰ سال اخیر گردیده که اوج آن را در انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ شاهد بودیم، اعتقاد شیعیان به جایگاه «نیابت» فقیهان از امام معصوم علیه السلام است. این اعتقاد که ریشه در آموزه‌های ائمه اطهار علیهم السلام دارد و پس از دوران حضور آن بزرگواران به وسیله شاگردان مکتب آنان به تدریج شرح و بسط

یافته، در دوره صفویه به سبب تحولات سیاسی عمیق در ایران به عقیده‌ای شایع میان عالمان دینی و نیز مردم عادی تبدیل می‌شود، تا جایی که شماری از جهانگردان و گزارش‌نویسان خارجی و داخلی در لابه‌لای یادداشت‌های خود از شهرت و رواج این اندیشه شیعی در دوره مزبور سخن گفته‌اند، حتی برخی از آنان مدعی بوده‌اند که شماری از شاهان صفوی و اطرافیان آن‌ها با وجود نارضایتی از این اعتقاد فقط از ترس مردم ناگزیر بوده‌اند خود

از امام رضا علیه السلام نقل شده است،^{۱۴} حضرت برای اثبات ضرورت امامت بر نکاتی مانند لزوم اجرای حدود و احکام الهی، لزوم اقامه مناسک جمعی، جلوگیری از بدعت‌ها، شبهات و تحریف‌های دینی، جلوگیری از کهنگی آیین و زوال دین، دفع ستمگران، تقسیم اموال عمومی و پاسداری از رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله تأکید کرده است. بی‌گمان، این نکات به زمان حضور امامان معصوم علیهم السلام اختصاص ندارند و مشروعیت ولایت فقیهان عادل و امین در زمان غیبت‌رانی‌زنی نمی‌کنند.

را در موقعیت ممتازی در مقایسه با سایر نیروهای اجتماعی کشور قرار داده است، تا جایی که یکی از منتقدان عملکرد حاکمیت دینی برآمده از روحانیت، به این نکته اذعان کرده است که روحانیت در شرایط کنونی، یگانه نیروی اجتماعی واقعی و ریشه دار کشور و قدرتمندترین جریانی است که قدرت بسیج توده‌ها را دارد.^{۱۴}

از سوی دیگر، فرصت‌های تقویت دین‌داری، شرایط تاریخی و تمدنی امت اسلامی، فرصت بی‌سابقه‌ای را در سده اخیر برای روحانیت در زمینه ایفای نقش ولایت پدید آورد که با برپایی نظام جمهوری اسلامی ایران به اوج خود رسید. این فرصت از سویی بسیار مخاطره‌آمیز است؛ برای این که ناتوانی روحانیت از استفاده بهینه از آن نه تنها موجب از بین رفتن آن می‌شود، بلکه آن را به تهدیدی جدی مبدل می‌کند و به تعبیر امام خمینی علیه السلام:

«اگر این جمهوری اسلامی شکست بخورد، به جای آن یک رژیم اسلامی دلخواه بقیة اللہ - روحی فداه - یا مطیع امر شما آقایان تحقق نمی‌یابد؛ بلکه یک رژیم دلخواه یکی از دو قطب قدرت به حکومت می‌رسد و محرومان جهان که به اسلام و حکومت اسلامی رو آورده و دل باخته‌اند، مأیوس می‌شوند و اسلام برای

ویژگی‌هایی؛ همچون اخلاق‌مداری، ساده‌زیستی، عدالت خواهی، ظلم‌ستیزی و مردم‌داری روحانیان در طول قرن‌های متمادی اشاره کرد که موجب جلب اعتماد عمومی به ایشان گردیده و زمینه همراهی بسیاری از مردم با آنان در مداخلات حکومتی و ایفای نقش‌های ولایی را تقویت کرده است.

همیشه منزوی خواهد شد».^{۱۵} هم‌چنین فرصت یادشده جنبه اشتدادی و افزایشی دارد؛ یعنی هر چه کارآمدی نظام مبتنی بر ولایت فقیه بیشتر باشد و بهتر بتواند بر موانع و مشکلات غلبه کند، توسعه بیشتر این فرصت را شاهد خواهیم بود. با توجه به این نکته، کارنامه چهل و چندساله نظام ولایت فقیه، نشان‌دهنده

برخی دستاوردها و موفقیت‌های چشمگیر و در نتیجه، فرصت‌آفرین است که به طور گذرا به آن‌ها اشاره می‌شود.

به نظر می‌رسد، درخشان‌ترین دستاورد این نظام آن است که دو ولی فقیه مدیر، مدبّر، مثقّی، مقتدر و برخوردار از سایر شایستگی‌های لازم رهبری را به ملت ایران تقدیم کرده است،^{۱۶} دو شخصیتی که نه تنها یاران و دوستان؛ بلکه بسیاری از دشمنان، زبان به تمجیدشان گشوده و نقش آنان در پایداری و پیشرفت نظام اسلامی را منحصربه‌فرد دانسته‌اند. نکته شایان توجه آن است که شخص ولی فقیه پیوسته در حال خودشکوفایی و تجربه‌افزایی است، به گونه‌ای که قابلیت‌های رهبری او در مقایسه با سال‌های آغازین پیروزی انقلاب به مراتب بیشتر شده و همین امر ایشان را در نظر بسیاری از مردم ایران، نیز سایر کشورها به عنوان یک سرمایه ذی‌قیمت مطرح کرده

پیچیده‌تر شدن مناسبات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که به افزایش جرایم؛ به‌ویژه جرایم عمومی و دارای دامنه تأثیر گسترده و در نتیجه، افزایش مطالبات مردمی و حاکمیتی از قوه قضاییه در جهت برقراری عدالت و احقاق حقوق انجمنیده است، موفقیت دستگاه قضا در پاسخ‌گویی مناسب به این مطالبات، موجب افزایش امید، اعتماد عمومی به حاکمیت و در نتیجه تحکیم فرصت پدیدآمده برای روحانیت در زمینه ایفای وظیفه ولایت خواهد شد؛ چنان‌که پاره‌ای اقدامات ارزشمند قوه قضاییه در سال‌های اخیر، طبق برخی نظرسنجی‌ها موجب افزایش رضایت‌مندی مردم از این قوه تا سطح هفتاد درصد شده و تحسین رهبر معظم انقلاب را در پی داشته است.^{۱۸}

موفقیت نظام ولایت فقیه در تحقق بخشیدن به پیشرفت‌های علمی و فناوریانه در شاخه‌های گوناگون علوم زیستی، پزشکی، نانو، هسته‌ای، صنایع نظامی، هوافضا و...؛^{۱۹} هم‌چنین شکستن هیمنه نظام استکبار جهانی و ایادی منطقه‌ای آن؛ به‌ویژه در ابعاد سیاسی و نظامی که به تقویت احساس غرور ملی و عزتمندی ایرانیان انجامیده و تصویری زنده و امیدبخش از باورهای موعودگرایانه شیعیان؛ از جمله مهدویت، انتظار و نیابت ولی فقیه از امام عصر ع را برای

است؛ اگرچه آمار دقیقی در این ارتباط در دست نیست؛ ولی تأثیر این عامل بر گسترش دین‌داری؛ به‌ویژه در سطح بین‌المللی فراتر از آن است که قابل انکار باشد.

یکی دیگر از دستاوردهای نظام ولایت فقیه، افزایش نقش دین در قانون‌گذاری؛ به‌ویژه با تأسیس نهاد شورای نگهبان قانون اساسی است.^{۱۷} به‌رغم میل قلبی و تلاش نظری و عملی طرفداران سکولاریسم در جهت کم‌رنگ کردن نقش دین در نظام قانون‌گذاری کشور، حضور مستمر عده‌ای از روحانیان در مراکز قانون‌گذاری از طریق تثبیت شدن نهادها و مؤسساتی، مانند شورای نگهبان، مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورا و مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضاییه، مانع از عرفی‌شدن قوانین کشور شده است؛ از این رو به نظر می‌رسد حضور روحانیت در این عرصه نیازمند تقویت بیشتر؛ به‌ویژه از جنبه کیفی است؛ یعنی حکومت اسلامی باید زمینه لازم

را برای روحانیان فراهم کند تا پژوهش‌های فقهی خود در حیطه‌های قانون‌گذاری را از نظر اتقان و روزآمدی ارتقا بخشند؛ هم‌چنان‌که روحانیان واجد صلاحیت باید همه ظرفیت خود را در این جهت به کار گیرند تا با خطر حذف روحانیت در فرایند قانون‌گذاری کشور به دلیل ناکارآمدی روبه‌رو نشوند. بنابراین، با توجه به

حکومت اسلامی باید زمینه لازم را برای روحانیان فراهم کند تا پژوهش‌های فقهی خود در حیطه‌های قانون‌گذاری را از نظر اتقان و روزآمدی ارتقا بخشند؛ هم‌چنان‌که روحانیان واجد صلاحیت باید همه ظرفیت خود را در این جهت به کار گیرند تا با خطر حذف روحانیت در فرایند قانون‌گذاری کشور به دلیل ناکارآمدی روبه‌رو نشوند.

آنان به ارمغان آورده است،^{۲۰} جنبه‌های دیگری از تحکیم پایه‌های نظام ولایی و در نتیجه، گسترش فرصت‌های نظام ولایت فقیه در جهت تقویت دینداری را به نمایش می‌گذارند.

هم‌چنین باید نوآوری‌های محتوایی و گفتمانی نظام ولایی در قلمرو مفاهیم و نظریه‌ها را یادآور شد که حرکتی تدریجی و روبه‌گسترش را در خلال چهار دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی به نمایش گذاشته‌اند و زمینه تحول مثبت در روندهای سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری

و مدیریتی کشور را فراهم کرده‌اند. بدیهی است که بررسی این موضوع به پژوهش‌های مستقلی نیاز دارد؛ برای مثال می‌توان به ورود مفاهیمی، مانند «عدالت‌خواهی»، «مدیریت جهادی»، «اقتصاد مقاومتی» و «جرم‌انگاری ترک فعل»^{۲۱} به ادبیات حکمرانی کشور در سال‌های اخیر اشاره کرد که هر یک به سهم خود، زمینه افزایش اعتماد عمومی مردم به نظام اسلامی را فراهم کرده و به تبع، فرصت‌های نظام در زمینه تقویت دینداری را افزون‌تر کرده است.

در نهایت باید به گسترش چشمگیر برخی کنش‌ها و شعایر خاص مذهبی در سال‌های

اخیر؛ از جمله حضور انبوه در مراسم اربعین حسینی، شرکت بسیاری از افراد؛ به‌ویژه جوانان در سنت اعتکاف و حضور گسترده در زیارتگاه‌ها و اماکن مذهبی اشاره کرد، که مقام معظم رهبری آن را یکی از برکات هفت‌گانه انقلاب اسلامی در گام اول آن به شمار آورد^{۲۲} و به یقین سهم قابل توجهی از این تحول را باید مرهون بسترسازی و حمایت نظام ولایی از این گونه مراسم دانست.

کاستی‌های نظام ولایت فقیه در مسئله دینداری

چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، در بررسی تأثیر منفی نظام ولایت فقیه بر دینداری، به دنبال آسیب‌شناسی عملکرد شخص فقیه حاکم نیستیم؛ بلکه این بحث ناظر به عملکرد کل نظام ولایت فقیه و اجزای آن است. این نکته روشن را نیز باید در نظر گرفت که تغییرات فرهنگی مرتبط با مسئله دینداری به یقین از عوامل گوناگونی فراتر از ساختارها و عملکردهای حاکمیتی؛ از جمله گسترش علوم مدرن، گسترش فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی، جهانی‌شدن و... اثر می‌پذیرند؛ افزون بر این، نظام ولایت فقیه با موانع و چالش‌های بیرونی فراوانی مواجه است که همچون سدی در برابر حرکت

موفقیت نظام ولایت فقیه در تحقق بخشیدن به پیشرفت‌های علمی و فناوریانه در شاخه‌های گوناگون علوم زیستی، پزشکی، نانو، هسته‌ای، صنایع نظامی، هوافضا و...؛ هم‌چنین شکستن هیمنه نظام استکبار جهانی و ایادی منطقه‌ای آن؛ به‌ویژه در ابعاد سیاسی و نظامی که به تقویت احساس غرور ملی و عزتمندی ایرانیان انجامیده و تصویری زنده و امیدبخش از باورهای موعودگرایانه شیعیان؛ از جمله مهدویت، انتظار و نیابت ولی فقیه از امام عصر علیه السلام را برای آنان به ارمغان آورده است.

داده‌های گردآوری شده، جدول ذیل حاوی کاستی‌های نظام ولایت فقیه که از جهات گوناگون در افول دینداری در جامعه مؤثرند، به دست آمد که در ادامه، به توضیح آن‌ها به تفکیک می‌پردازیم.

نظام به سوی اهداف خود در زمینه تقویت دینداری در جامعه عمل می‌کنند؛ بنابراین تمرکز این بحث فقط بر کاستی‌های درونی و عملکردی نظام است. با توجه به این دو نکته و بر اساس

ضعف کارآمدی حکومت در برقراری عدالت اجتماعی	شجاعی‌زند، ۱۳۸۵؛ منصورنژاد، ۱۳۸۸
سیاست‌ها و قوانین مغایر با الگوی زندگی مؤمنانه	مواضع صریح مراجع تقلید درباره رباخواری بانک‌ها، https://www.isna.ir
ضعف سیاست‌گذاری رسانه	حسینی خامنه‌ای، [بی‌تا] ب
خطر اندیشه جدایی دین از سیاست در حوزه‌های علمیه	موسوی خمینی، ۱۳۸۹
خطر تقابل میان روحانیان هوادار جمهوری اسلامی	موسوی خمینی، ۱۳۸۹؛ حسینی خامنه‌ای، [بی‌تا] الف
دخالت ناموجه برخی روحانیان در امور حکومتی	موسوی خمینی، ۱۳۸۹
روحانیت و تصدی مدیریت‌های اجرایی	موسوی خمینی، ۱۳۸۹؛ مطهری، ۱۳۷۶
لزوم تخصص روحانیان متصدی مناصب حکومتی	بهشتی، ۱۳۸۶
خطر اداری شدن و فاصله گرفتن روحانیان از بدنه مردم	حسینی خامنه‌ای، [بی‌تا] الف

البته ناکارآمدی حکومت دینی از جهت منطق مستلزم افول دینداری نیست؛ ولی در نگاه واقع‌بینانه جایگاه دین و حکومت دینی تا حد زیاد به یکدیگر گره خورده‌اند؛ برای این که بسیاری از مردم ناکارآمدی حکومت داعیه‌دار اجرای دین را بی‌ظرفیتی و گاهی بی‌صداقتی نهاد دین در تحقق بخشیدن به ادعاهایش تفسیر می‌کنند که بناچار رویگردانی از دین را در پی دارد یا دست‌کم به نظریه جدایی دین از سیاست (سکولاریسم سیاسی) گرایش می‌یابند که این نیز سطحی از افول دینداری است.

هم‌چنین حکومت گاه با سیاست‌ها، قوانین و برنامه‌هایی که پایبندی افراد به

یکی از عوامل افول دینداری که در متون دینی گوشزد شده، تضییع حقوق مردم از سوی حاکمان است،^{۲۳} که این عامل در اوضاع کنونی جامعه به صورت ضعف کارآمدی حکومت در برقراری عدالت اجتماعی و تأمین حداقل‌های معیشت، سلامت، امنیت و دیگر حقوق اساسی مردم بروز کرده است؛^{۲۴} برای مثال، ناتوانی نظام اسلامی در کاهش مشکلات اقتصادی و فراهم‌ساختن شرایط ازدواج مناسب برای جوانان به جایگاه و اعتبار حکومت دینی و به تبع به جایگاه دین و روحانیت نزد بسیاری از مردم آسیب زده است و این صرف‌نظر از تأثیرش بر گسترش ناهنجاری‌های جنسی، یکی از عوامل اساسی افول دینداری است؛^{۲۵}

معیارها و احکام دینی را دشوار می‌سازند، زمینه شکل‌گیری ساختارهای ناسازگار با زندگی مؤمنانه و در نتیجه، فعال‌شدن مجموعه‌ای از عوامل افول دینداری؛ از جمله ازدیاد گناهان و ترک واجبات و گسترش ارتکاب شبهات، کارهای بیهوده و کسب و کارهای دنیاگرایانه را فراهم ساخته است؛ برای مثال، امروزه در میان علما و صاحب‌نظران اقتصادی حوزه، انتقادهای صریحی از سیاست‌های بانکی

کشور ابراز شده است و به طور مشخص از برخی عملیات بانکی به عنوان عملیات ربوی یاد می‌شود.^{۲۴} پرواضح است، که از این منظر با پدیده ابتلای عموم مردم به ربای حرام در نتیجه سیاست‌های حکومت روبه‌رو هستیم؛ هم‌چنین سیاست‌های بانکی، بیمه‌ای، مالیاتی و ارزی کشور با تشدید گرانی و تحمیل فشار سنگین بر اقشار ضعیف و متوسط جامعه، از یک سو، زمینه بی‌اعتنایی مردم به واجبات مالی شرعی مانند خمس و زکات را فراهم می‌کنند^{۲۵} و از سوی دیگر، آنان را به سمت کسب و کارهای دنیاگرایانه با شاخص‌هایی؛ همچون سودگرایی سوق می‌دهند؛^{۲۶} از این‌رو امکان پایبندی آنان به ارزش‌های دینی مهمی، مانند قناعت به کفاف^{۲۸} را در عمل از بین می‌برند. دیدگاه دیگر این که سیاست‌های مربوط به

حوزه‌های ورزش و رسانه در گسترش بطالت و بیهوده‌گرایی در جامعه مؤثر بوده‌اند. این عامل، برگرفته از مفهوم «لغو» در قرآن کریم است که بر هر گونه کار بیهوده و نداشتن انگیزه اخروی دلالت می‌کند و تأثیر آن بر افول دینداری از آن روست که نداشتن انگیزه و جهت‌گیری اخروی موجب می‌شود، اعمال انسان صبغه دینی نداشته نباشند و چنین اعمالی اگر بخش قابل‌توجهی از زمان و اهتمام افراد را به خود

اختصاص دهند، در گسترش غفلت و فراموشی که خود از عوامل مهم افول دینداری است، مؤثر خواهند بود. نگاهی گذرا به واقعیات موجود، از گستردگی این نوع فعالیت‌ها در میان مردم پرده برمی‌دارد. تماشگری و هواداری افراطی از تیم‌ها و چهره‌های ورزشی و اختصاص زمان بیش‌ازحد به سرگرمی‌های سینمایی، تلویزیونی، رایانه‌ای، موبایلی و...، تنها بخشی از این‌گونه فعالیت‌ها به شمار می‌آیند؛ البته قید «نداشتن انگیزه اخروی»، تشخیص مصداق را قدری دشوار می‌سازد؛ برای این که چه بسا افرادی باشند که با انگیزه دینی به بازی و سرگرمی بپردازند؛ بنابراین گرافه نیست، اگر گفته شود بیشتر بازی‌ها و سرگرمی‌هایی که امروزه پیرامون خود مشاهده می‌کنیم، در زمره کارهای بیهوده قرار می‌گیرند.

یکی از عوامل افول دینداری که در متون دینی گوشزد شده، تزییع حقوق مردم از سوی حاکمان است، که این عامل در اوضاع کنونی جامعه به صورت ضعف کارآمدی حکومت در برقراری عدالت اجتماعی و تأمین حداقل‌های معیشت، سلامت، امنیت و دیگر حقوق اساسی مردم بروز کرده است.

عیاشی و شهوت‌رانی و... سوق دهیم؛ ولی عملاً این کار هم در فیلم‌های سینما و هم در تلویزیون اتفاق می‌افتد. این یک روند غلط است که باید با رعایت نکاتی که در ادامه بیان می‌شود جلوی‌ش گرفته شود: مدیریت و نظارت درست، شناختن ابعاد قضیه، به کار گرفتن انسان‌های شایسته، رشوه و میدان‌ندادن به افراد ناشایست.^{۳۰}

البته تعیین میزان نقش‌آفرینی رسانه‌ها در مورد هر یک از عوامل افول

دینداری به پژوهش‌های تجربی مستقلی نیاز دارد؛ ولی کلیت تأثیر رسانه‌ها در ابعاد یادشده بدیهی به نظر می‌رسد، ضمن آن‌که پژوهش‌های تجربی، وجود همبستگی منفی میان استفاده از رسانه‌های نوین (اینترنت، ماهواره و تلویزیون) و هویت دینی را تأیید کرده‌اند.^{۳۱}

از دیگر عوامل افول دینداری، ناکارآمدی نظام کیفری است؛ هم‌چنین یکی از ابعاد ولایت فقها، اجرای مرحله عملی فریضه امر به معروف و نهی از منکر است که جمعی از فقها مصادیقی مانند اجرای حدود و تعزیرات از جانب فقیه

جامع‌الشرایط در عصر غیبت در فرض وجود همه شرایط را برای آن برشمرده‌اند.^{۳۲} امروزه

هم‌چنین سیاست‌های ناکارآمد نظارت بر رسانه‌های صوتی، تصویری، نوشتاری و فضای مجازی، شرایط زندگی مؤمنانه و عقیفانه را برای بسیاری از مردم؛ به‌ویژه جوانان دشوار کرده است و می‌توان با اطمینان مدعی شد که رسانه‌ها از طریق نشر سخنان باطل، صداهای فسادانگیز، تصاویر و فیلم‌های مبتذل، یکی از برجسته‌ترین نقش‌ها را در افول دینداری در ایران ایفا کرده‌اند. رسانه‌ها به سبب

ماهیت ابزاری و با استفاده از

ظرفیت‌های ارتباطی، تبلیغی، آموزشی و سرگرم‌سازی؛ در واقع بستر مناسبی برای اثرگذاری سایر عوامل افول دینداری فراهم می‌کنند و این امر به رسانه‌های بیگانه اختصاص ندارد، بلکه رسانه‌های داخلی نیز سهمی در این مشکل دارند، تا جایی که هشدار مقام معظم رهبری را در پی داشته است. به گفته ایشان:

امروزه در عالم فرهنگ و هنر، شبکه نامرئیِ درسایه‌ای در داخل کشور فعال است و تصمیم آن بر این است که به ارزش‌های اسلام و انقلاب هجوم بیاورد. به‌درستی که کار سازماندهی‌شد، خوب و دقیقی

هم می‌کند.^{۳۳} هیچ‌کس مایل نیست که ما به وسیله فیلم، جوانان را به بی‌بندوباری و

سیاست‌های ناکارآمد نظارت بر رسانه‌های صوتی، تصویری، نوشتاری و فضای مجازی، شرایط زندگی مؤمنانه و عقیفانه را برای بسیاری از مردم؛ به‌ویژه جوانان دشوار کرده است و می‌توان با اطمینان مدعی شد که رسانه‌ها از طریق نشر سخنان باطل، صداهای فسادانگیز، تصاویر و فیلم‌های مبتذل، یکی از برجسته‌ترین نقش‌ها را در افول دینداری در ایران ایفا کرده‌اند. رسانه‌ها به سبب ماهیت ابزاری و با استفاده از ظرفیت‌های ارتباطی، تبلیغی، آموزشی و سرگرم‌سازی؛ در واقع بستر مناسبی برای اثرگذاری سایر عوامل افول دینداری فراهم می‌کنند و این امر به رسانه‌های بیگانه اختصاص ندارد.

به دلیل برخی مناقشات در اصل ثبوت وظیفه مداخله حاکمیتی در حوزه آسیب‌های فرهنگی و گاه به سبب محافظه‌کاری و عافیت‌طلبی، با بی‌اعتنایی نسبی به این فریضه الهی از سوی مسئولان حکومتی مواجه هستیم، مسئولانی

که در واقع بازوی اجرایی ولی فقیه به شمار آمده و قصور یا تقصیر آنان بناچار به پای وی نوشته می‌شود. به طور خاص، ناتوانی یا سهل‌انگاری حکومت دینی در اجرای بخشی از حدود و تعزیرات، موجب گسترش جرایم و ناهنجاری‌هایی؛ همچون خشونت، سرقت، کلاهبرداری، اختلاس، بدحجابی، کشف حجاب و آرایش‌های تحریک‌آمیز در محیط‌های عمومی شده و از این طریق، روند افول دینداری را تقویت کرده است. البته، باید بخشی از احکام شرعی را که در قوانین و مقررات رسمی کشور انعکاس یافته و از ضمانت اجرای لازم برخوردار شده‌اند، استثنا کرد؛ برای مثال،

می‌توان به اثربخشی مناسب مجازات‌های اسلامی در کاهش جرایمی مانند قتل عمد، برهنگی، تجاوز به عنف و بدمستی در ملأ عام اشاره کرد.

بُعد دیگری از وظیفه ولایت که پیوند

نزدیک‌تری با عموم روحانیان دارد، ورود روحانیان به عرصه فعالیت‌های حکومتی به عنوان کارگزاران نظام است. امام خمینی ره سه وظیفه مهم برای علما و روحانیان در رابطه با حکومت اسلامی قایل بود: نظارت

بر مسئولان و تصدی قضاوت

به عنوان دو وظیفه اصلی و ثابت^{۳۳} و تصدی مدیریت‌های اجرایی به عنوان یک وظیفه اضطراری و موقتی.^{۳۴}

یکی از آسیب‌های مربوط به دو وظیفه نخست، مسئله اختلاف و دودستگی میان روحانیان انقلابی و فعال در عرصه حکومت است، که امام خمینی ره به جد نگران آن بود و پیامد آن را تقویت جناح‌های ناهمسو با روحانیت می‌دانست.^{۳۵} در همین ارتباط، رهنمود مقام معظم رهبری آن است که «روحانیت باید در موضع دفاع از کلیت نظام باشد؛ لذا در اختلافات سیاسی موجود خطی باید کمتر دخالت کند و به یک معنا اصلاً نباید

دخالت کرد؛ در چنین فضایی کوشش کنند که هر چه بیشتر خود را از درگیری‌ها دور نگه دارند، یعنی آن جنبه پدیری و عمومی را برای همه مردم داشتن؛ هر دو قشر متعارض با یکدیگر را فرزندان خود و احیاناً دارای

امروزه به دلیل برخی مناقشات در اصل ثبوت وظیفه مداخله حاکمیتی در حوزه آسیب‌های فرهنگی و گاه به سبب محافظه‌کاری و عافیت‌طلبی، با بی‌اعتنایی نسبی به این فریضه الهی از سوی مسئولان حکومتی مواجه هستیم، مسئولانی که در واقع بازوی اجرایی ولی فقیه به شمار آمده و قصور یا تقصیر آنان بناچار به پای وی نوشته می‌شود. به طور خاص، ناتوانی یا سهل‌انگاری حکومت دینی در اجرای بخشی از حدود و تعزیرات، موجب گسترش جرایم و ناهنجاری‌هایی؛ همچون خشونت، سرقت، کلاهبرداری، اختلاس، بدحجابی، کشف حجاب و آرایش‌های تحریک‌آمیز در محیط‌های عمومی شده و از این طریق، روند افول دینداری را تقویت کرده است.

بکنیم که مردم بگویند این‌ها دستشان به جایی نمی‌رسید، حالا که رسید دیدید این‌طور شدند. استبداد دینی خود تهمتی است که از کنارش نباید گذشت. رادیوها مرتب از آن سخن می‌گویند و ما را به خودکامگی متهم می‌کنند. روحانیون نباید کاری کنند که شاهد دست دشمن بدهند. دخالت ما باید نهی از منکر و امر به معروف باشد و الّا به استاندار بگوییم تو باید این کار را بکنی و الّا بگوییم از این جا برو، این اولاً، تضعیف دولت است و از آن گذشته موجب

می‌شود که مردم از روحانیون متنفر شوند.^{۳۸}

آسیب دوم از رعایت‌نشدن قید «اضطرار» در تصدی مدیریت‌های اجرایی نشئت می‌گیرد. با توجه به این‌که در دهه پنجم از عمر جمهوری اسلامی به سر می‌بریم، به نظر

می‌رسد این موضوع نیازمند بازنگری اساسی است؛ چراکه در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت دست کم برخی از ضرورت‌های پیشین ورود روحانیان به عرصه مدیریت‌های اجرایی تغییر کرده‌اند؛ برای مثال، ضرورت تصدی روحانیان در سمت‌هایی همچون ریاست جمهوری، وزارت و استانداری جای تأمل جدی دارد و طبق مبنای امام خمینی علیه السلام حتی کارآمدی فرد روحانی در تصدی چنین سمت‌هایی به‌تنهایی کافی نیست، مگر آن‌که تنها گزینه دارای صلاحیت یا بهترین گزینه در

اشتباهاتی دانستن. این‌ها را بایستی رعایت کرد تا روحانیت همواره بالاتر از اختلافات بماند.^{۳۶} به نظر می‌رسد مشکل دودستگی روحانیت انقلابی که می‌توان آن را یکی از بزرگترین چالش‌های نظام ولایت فقیه دانست، آثار زیانباری برای دینداری در جامعه ایران در پی داشته است.

هم‌چنین، راجع به وظیفه سوم باید چند آسیب را گوشزد کرد. آسیب نخست، ناشی از دخالت ناموجه روحانیان در امور حکومتی و فراتر از سه وظیفه یادشده است

که نمود آن در سال‌های آغازین پس از پیروزی انقلاب اسلامی به سبب نابسامانی‌های آن دوره و تثبیت‌نشدن ساختارهای حاکمیتی و فرایندهای قانونی بیش از زمان حاضر بود، تا این‌که امام خمینی علیه السلام را به موضع‌گیری در برابر آن واداشت:

یک قصه هم قصه بعضی ائمه جمعه و بعضی از علمای بلاد است که با دخالت‌های بی‌مورد خود در امور دولت، اسباب این می‌شوند که مردم از آن‌ها کنار گیرند. اگر مردم از روحانیون کنار گیرند، موجب می‌شود که روحانیون شکست بخورند و اگر روحانیون شکست بخورند، جمهوری اسلامی شکست می‌خورد. این مطلب را بارها گفته‌ام که روحانیون باید وضعی ارشادی داشته باشند، نه این‌که بخواهند حکومت کنند. کاری نباید

امام خمینی علیه السلام سه وظیفه مهم برای علما و روحانیان در رابطه با حکومت اسلامی قایل بود: نظارت بر مسئولان و تصدی قضاوت به عنوان دو وظیفه اصلی و ثابت^{۳۴} و تصدی مدیریت‌های اجرایی به عنوان یک وظیفه اضطراری و موقتی.

میان افراد واجد شرایط باشد؛ به گونه‌ای که تأمین حداکثری اهداف اسلامی و مصالح جمهوری اسلامی به حضور او وابسته باشد، در غیر این صورت اولویت با تصدی غیر روحانیان است.^{۳۹}

سومین آسیب، مربوط به رعایت نشدن شرطی است که شهید بهشتی؛ در ورود روحانیان به شوراهای گوناگون حکومتی بر آن تأکید داشت و آن «مجهز شدن آنان به مطالعات سیاسی، اجتماعی و محلی» است.^{۴۰} اگر در اوضاع و شرایط خاص و اضطراری پس از پیروزی انقلاب، حضور روحانیان با

نداشتن این شرط در مجلس شورای اسلامی و سایر شوراها توجیه پذیر بود، امروزه این امر به دلیل پیامدهای منفی آن؛ به ویژه افزایش بدبینی و بی‌اعتمادی به روحانیت پذیرفتنی نیست؛ هم‌چنان که در عمل شاهد کاهش تدریجی آن و حرکت فزاینده در جهت ضابطه‌مندتر شدن حضور روحانیان بر پایه معیار تخصص‌گرایی هستیم.

در نهایت، آسیب چهارم راجع به اداری شدن روحانیان

و فاصله گرفتن آنان از فضای ارتباط نزدیک و صمیمی با عموم مردم است. به تعبیر مقام معظم رهبری مڈظله:

شکل اداری پیدا کردن ما مجموعه روحانی

و مجموعه آخوند به نفع ما نیست. هر مسئولیتی هم در هر جا داریم، این حالت طلبگی خودمان، حالت آخوندی خودمان، حالت روحانی خودمان را. که انس با مردم، رفتن میان مردم، گفتن به زبان مردم، شنیدن درد دل مردم است. باید از دست ندهیم.^{۴۱}

نتیجه‌گیری

در ارزیابی تأثیر نظام ولایت فقیه بر دینداری در ایران، هرگز نمی‌توان از نگاه‌های یک‌جانبه‌نگر که آثار مثبت یا منفی را نادیده می‌گیرند، دفاع کرد، بر اساس آنچه گذشت می‌توان گفت نظام ولایت فقیه با تکیه

بر مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها و فرصت‌های کم‌نظیر به دستاوردهای بزرگی در زمینه تقویت دینداری در جامعه نایل آمده است، دستاوردهایی که توانمندی بالایی برای مقابله با عوامل تضعیف دینداری و خنثی‌سازی اثر منفی آنها دارند.

بنابراین، آسیب‌های مهمی نیز در این زمینه مشاهده می‌شوند. این آسیب‌ها که به ظاهر از ناحیه نظام ولایت فقیه، متوجه دینداری در

جامعه ایران شده‌اند، آسیب‌های غرضی و اصلاح‌پذیرند نه ذاتی و جبری؛ یعنی این آسیب‌ها را باید برحسب کاستی‌های عملکردی اجزای این نظام تبیین کرد؛ در نتیجه، هر یک

یک قصه هم قصه بعضی ائمه جمعه و بعضی از علمای بلاد است که با دخالت‌های بی‌مورد خود در امور دولت، اسباب این می‌شوند که مردم از آن‌ها کناره‌گیرند. اگر مردم از روحانیون کناره‌گیرند، موجب می‌شود که روحانیون شکست بخورند و اگر روحانیون شکست بخورند، جمهوری اسلامی شکست می‌خورد. این مطلب را بارها گفته‌ام که روحانیون باید وضعی ارشادی داشته باشند، نه این‌که بخواهند حکومت کنند.

صرف نظر از ادعای رشد سکولاریسم و نهیلیسم در جامعه ایران پس از انقلاب، که طبق نتایج این بحث، ادعایی غیر مستند و مناقشه پذیر است، از آن جا که مسئله نسبت دین و ایدئولوژی، مسئله ای کلامی است که این نوشتار متکفل بررسی آن نیست، به یادآوری این نکته بسنده می کنیم که دین هرچند به ایدئولوژی قابل تقلیل نیست؛ ولی از این مطلب نمی توان نتیجه گرفت که دین هیچ نسبتی با ایدئولوژی

ندارد؛ چراکه می توان بر اساس ادله متقن کلامی از این مبنا دفاع کرد که دین افزون بر مؤلفه های دیگر، مشتمل بر مؤلفه ایدئولوژی به معنای برنامه عمل سیاسی و تشکیل حکومت است؛ هم چنان که بسیاری از علمای اسلام، اعم از شیعه و سنی، این مبنا را در کلیت آن پذیرفته اند و اگر اختلافاتی در بحث امامت میان علمای شیعه و سنی و در

بحث ولایت فقیه میان علمای شیعه وجود دارد، مبنای کلی مورد پرسش قرار نمی گیرد. بنابراین، اگر این انتقاد که حکومت دینی عامل رشد سکولاریسم است، به نظام ولایت فقیه وارد باشد، با تحلیلی مشابه می توان آن را بر حکومت رسول خدا ﷺ و امیرمؤمنان  نیز وارد کرد؛ برای این که آن بزرگواران به یقین تشکیل حکومت داده و برای حفظ، تحکیم و

از آن ها آسیب شناسی و راهکارهای اصلاحی خود را می طلبد. در مقابل این نگاه، رویکرد کسانی قرار دارد که این آسیب ها را ناشی از ماهیت نظام ولایت فقیه قلمداد می کنند. به نظر می رسد این دسته از افراد با مشاهده نشانه های افول دینداری در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی رفته رفته متقاعد شده اند که ریشه این مشکل را باید در اصل این نظام که مبتنی بر تفسیری ایدئولوژیک از دین است، جست و جو کرد. به گفته یکی از منتقدان:

گاه ما دین یا اسلام را در تعبیری چون انقلاب اسلامی، حکومت دینی یا جمهوری اسلامی به کار برده، دین یا اسلام را تا سرحدیک «ایدئولوژی سیاسی»؛ یعنی اندیشه به مثابه راهنمای عمل و یک برنامه برای کسب قدرت یا حفظ قدرت تنزل می بخشیم؛ ولی باید بدانیم دین یک ایدئولوژی نیست و

تبدیل دین به ایدئولوژی و تفسیر ایدئولوژیک از دین به معنای تبدیل امر قدسی به امر عرفی و تبدیل امر والا و ایدئال به امر متعارف و رئال است. نکته قابل توجه این که، یکی از دلایل سرعت یافتن روند رشد سکولاریسم و نهیلیسم در جامعه ما؛ پس از انقلاب، تبدیل دین به ایدئولوژی و تفسیر ایدئولوژیک از دین است.^{۴۲}

طبق مبنای امام خمینی رحمته الله علیه حتی کارآمدی فرد روحانی در تصدی چنین سمت هایی به تنهایی کافی نیست، مگر آن که تنها گزینه دارای صلاحیت یا بهترین گزینه در میان افراد واجد شرایط باشد؛ به گونه ای که تأمین حداکثری اهداف اسلامی و مصالح جمهوری اسلامی به حضور او وابسته باشد، در غیر این صورت اولویت با تصدی غیر روحانیان است.

گسترش قدرت خویش تلاش کرده‌اند و در امر حکومت‌داری متحمل آسیب‌ها و ناکامی‌های بسیاری نیز شده‌اند. بدیهی است که حتی با فرض پذیرش نظر نادرست برخی نواندیشان که حکومت آن بزرگواران را امری عرفی و فاقد مبنای الهی دانسته‌اند، این اشکال نقضی به قوت خود باقی خواهد بود. در پایان با تکیه بر مباحث پیشین به راهبردهایی اشاره می‌شود که می‌توانند در جهت

بهبود نقش‌آفرینی نظام ولایت فقیه در زمینه تقویت دینداری تأثیر داشته باشند. این راهبردها در دو بخش تقویت نقاط قوت و رفع نقاط ضعف ارائه می‌شوند:

الف) تقویت نقاط قوت

گسترش مباحث تبیینی در زمینه اعتقاد به نیابت فقها از امام معصوم (علیه السلام)؛ بیان عمومی نقاط قوت نظام ولایت فقیه و شایستگی‌های رهبران نظام در چارچوب جهاد تبیین؛ تقویت رویکرد عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی و اخلاق‌مداری در حوزه‌های علمیه؛ نقش‌آفرینی مؤثرتر حوزه‌های علمیه در جهت افزایش کارآمدی نظام جمهوری اسلامی و غلبه آن بر موانع و مشکلات در زمینه‌های فرهنگی، علم و فناوری، تقنینی، اجرایی و قضایی؛

ادامه حمایت نظام از مراسم

دینی و مذهبی؛

ایجاد ساختارهای کارآمد در جهت حضور مؤثرتر علما و فضایی حوزه در عرصه قانون‌گذاری؛ تلاش در جهت گسترش و ترویج نوآوری‌های مفهومی، محتوایی و گفتمانی در نظام حکمرانی.

ب) رفع نقاط ضعف

تلاش در جهت افزایش

کارآمدی حکومت در برقراری

عدالت اجتماعی؛

شناسایی و حذف سیاست‌ها و قوانین مغایر با الگوی زندگی مؤمنانه در حوزه‌های گوناگون؛ به‌ویژه حوزه‌های اقتصاد و فرهنگ؛ تلاش در جهت سکولارزدایی و مقابله با اندیشه جدایی دین از سیاست در حوزه‌های علمیه؛

تلاش در جهت کاهش جبهه‌گیری‌ها و تقابل‌های شدید میان روحانیان هوادار جمهوری اسلامی؛

برگرفتن تدابیر مناسب در مواجهه با دخالت ناموجه برخی روحانیان در امور حکومتی؛

بازنگری و تغییر رویکرد روحانیت در تصدی مدیریت‌های اجرایی با توجه به تغییر دست‌کم برخی از ضرورت‌های پیشین ورود روحانیان به این عرصه؛

تأکید بر رعایت حداکثری معیار

اگر این انتقاد که حکومت دینی عامل رشد سکولاریسم است، به نظام ولایت فقیه وارد باشد، با تحلیلی مشابه می‌توان آن را بر حکومت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امیرمؤمنان (علیه السلام) نیز وارد کرد؛ برای این‌که آن بزرگواران به یقین تشکیل حکومت داده و برای حفظ، تحکیم و گسترش قدرت خویش تلاش کرده‌اند و در امر حکومت‌داری متحمل آسیب‌ها و ناکامی‌های بسیاری نیز شده‌اند.

منصرف به عالمان دین است.

۱۱. صدوق، محمد بن علی بن بابویه؛ *علل الشرایع*؛

ج ۱، ص ۲۵۳.

۱۲. انگلبرت کمپفر؛ *سفرنامه کمپفر*؛ ترجمه کیکاووس

جهانداری؛ ص ۱۲۷.

۱۳. حامد الگار؛ *دین و دولت در ایران*؛ نقش علمادر

دوره قاجار؛ ترجمه ابوالقاسم سزّی؛ ص ۲۷.

۱۴. بیژن عبدالکریمی؛ *آینده روحانیت و جهان*

معاصر؛ ص ۹۹.

۱۵. سید روح الله موسوی خمینی؛ *صحیفه امام*،

ج ۲۱، ص ۴۴۷.

۱۶. ر.ک: «ویژگی های مشترک سیاسی، اخلاقی و

مدیریتی امامین انقلاب»، ۱۷/۳/۱۴۰۱، در: (<http://www.shoma-weekly.ir>).

۱۷. ر.ک: «بیانات در دیدار اعضای هیأت های نظارت

شورای نگهبان»، ۱۴/۱۱/۱۳۷۴، در: (<https://farsi.khamenei.ir>).

۱۸. ر.ک: «رضایت مندی هفتاد درصدی مردم نتیجه

اقدام جهادی قوه قضائیه است»، ۱۰/۴/۱۴۰۰، در: (<https://farsi.khamenei.ir>).

۱۹. ر.ک: «کارآمدی ایدئولوژیک»، کارآمدی

نظام جمهوری اسلامی؛ به کوشش محسن مؤمنی؛

ص ۶۱-۶۴.

۲۰. ر.ک: «کارآمدی ایدئولوژیک»، کارآمدی

نظام جمهوری اسلامی؛ به کوشش محسن مؤمنی؛

ص ۶۱-۶۴.

۲۱. ر.ک: «کارآمدی ایدئولوژیک»، کارآمدی

نظام جمهوری اسلامی؛ به کوشش محسن مؤمنی؛

ص ۶۱-۶۴.

۲۲. ر.ک: «کارآمدی ایدئولوژیک»، کارآمدی

نظام جمهوری اسلامی؛ به کوشش محسن مؤمنی؛

ص ۶۱-۶۴.

۲۳. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ تحقیق:

علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ ج ۸، ص ۳۵۳-

۳۵۴.

۲۴. ر.ک: «مسیرهای محتمل

در عرفی شدن ایران»، *مجله جامعه شناسی ایران*؛

دوره ۷، ش ۱، ص ۴۴-۴۶.

تخصص گرایی در ورود روحانیان به عرصه های حکومتی؛

متوقف کردن سیاست ها و رویه هایی

که موجب رسمی و اداری شدن روحانیان و

فاصله گرفتن آنان از عموم مردم می شوند.

به دلیل اهمیت و در مواردی حساسیت

پیشنهادهای یادشده، به نظر می رسد تشکیل

حلقه تخصصی ویژه ای متشکل از فضیای خبره

و زیر نظر مدیریت حوزه های علمیه جهت

بررسی دقیق تر و پیگیری عملیاتی شدن آنها

ضرورت دارد.

پی نوشت:

۱. دانشیار پژوهشکده علوم اجتماعی پژوهشگاه

حوزه و دانشگاه.

۲. حج، آیه ۴۱.

۳. بیژن عبدالکریمی؛ *آینده روحانیت و جهان معاصر*؛

ص ۱۷۷.

۴. ر.ک: «دینداری بعد از انقلاب بهتر شده است»،

۱۹/۵/۱۳۹۸ در: (<https://farhikhtegandaily.com>)؛

«حکومت دینی دین مردم را تضعیف می کند/ من

اسلام را دین کاملی می دانم، اما حکومت دینی را

نفی می کنم»، ۴/۵/۱۳۹۵ در:

(<https://www.mashregnews.ir>).

۵. محسن اراکی؛ *نظریه الحکم فی الاسلام*؛ ص ۱۴۹-

۲۳۰.

۶. همان، ص ۲۰۲-۲۱۹.

۷. همان، ص ۲۶۳-۲۶۹.

۸. همان، ص ۲۳۱-۲۶۲.

۹. محمد بن حسین شریف رضی؛ *نهج البلاغه*؛

تحقیق: عزیزالله عطاردی؛ ص ۱۶.

۱۰. تعبیر علما با توجه به فضای صدور روایت،

۲۵. ر.ک: محمد منصورنژاد؛ «آسیب‌شناسی تعامل روحانیت و نسل جوان»، همایش ملی مناسبات روحانیت و نسل جوان (مجموعه مقالات علمی)؛ ج ۲، ص ۲۷۴.
۲۶. ر.ک: «مواضع صریح مراجع تقلید درباره رباخواری بانک‌ها»، ۱۳۹۵/۱۱/۲۷، در: <https://www.isna.ir>.
۲۷. برحسب تحقیق تقی آزاد ارمکی و غلامرضا غفاری، توزیع نسبی کسانی که گفته‌اند حساب شرعی ندارند (که عملاً به معنای خمس ندادن است؛ گرچه از جهت منطق چنین نیست)، به این ترتیب بوده است: نسل قبل از انقلاب ۴۹/۷ درصد، نسل انقلاب ۵۳/۴ درصد، نسل جنگ ۶۰/۲ درصد، نسل دارای خاطره جنگ ۷۱/۳ درصد و نسل بدون خاطره جنگ ۶۹/۴ درصد. (تقی آزاد ارمکی و غلامرضا غفاری؛ جامعه‌شناسی نسلی در ایران؛ ص ۱۰۶).
۲۸. امروزه در رقابت میان بازارهای جذب سرمایه در ایران (بورس، طلا و ارز، مسکن، اتومبیل، بانک‌ها و...) اصولاً هر بازاری که سودآوری بیشتری داشته باشد، گوی سبقت را می‌ریابد. ر.ک: «گزارش «ایران» از رقابت بازارهای پول، سرمایه، مسکن و طلا و ارز در جذب سرمایه: جذاب‌ترین بازار سرمایه‌گذاری»، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱، در: www.iran-newspaper.com.
- گذشته از بازارهای رسمی، نباید دامنه فعالیت بازارهای غیر رسمی و گاه غیر قانونی، مانند شرکت‌های هرمی را نادیده گرفت. ر.ک: «جوانان در دام شبکه‌های عنکبوتی هرمی»، ۱۳۸۹/۱/۲۹، در: www.rajaneews.com.
۲۹. در روایات متعدد بر قناعت به کفاف؛ یعنی اندازه نیاز و پرهیز از فزون‌طلبی تأکید شده است؛ از جمله امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «کسی که به اندازه کفاف زندگی بسنده کند، به آرامش خاطر رسد و
- در فراخنای آسایش جای گیرد (محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ تحقیق: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ ج ۸، ص ۱۹)، نیز می‌فرماید: «در دنیا جز مقدار کفاف را نخواهید». (عبدالواحد تمیمی آمدی؛ تصنیف غررالحکم و دررالکلم؛ تحقیق: مصطفی درایتی؛ ص ۱۲۸).
۳۰. سید علی حسینی خامنه‌ای؛ (ب). اندیشه‌های راهبردی (۲): تهاجم فرهنگی و جنگ نرم؛ ص ۳۷-۳۸.
۳۱. سید علی حسینی خامنه‌ای؛ (ب). اندیشه‌های راهبردی (۲): تهاجم فرهنگی و جنگ نرم؛ ص ۴۷.
۳۲. علی قنبری برزبان و رضا همتی؛ «هویت دینی در جامعه ایرانی: مرور نظام‌مند مطالعات انجام شده (۱۳۸۰-۱۳۹۲)»، جامعه‌شناسی کاربردی؛ س ۲۶، ص ۱۳۵.
۳۳. ناصر مکارم شیرازی؛ انوار الفقاهه: کتاب البیع؛ ص ۴۴۷.
۳۴. سید روح‌الله موسوی خمینی؛ صحیفه امام؛ ج ۱۱، ص ۴۶۴-۴۶۵ و ج ۱۵، ص ۳۳۳.
۳۵. همان، ج ۱۶، ص ۳۴۹-۳۵۱.
۳۶. همان، ج ۲۱، ص ۲۸۸.
۳۷. سید علی حسینی خامنه‌ای؛ (الف). اندیشه‌های راهبردی (۴): تبلیغ دینی؛ ص ۷-۸.
۳۸. همان، ج ۱۹، ص ۴۳.
۳۹. سید روح‌الله موسوی خمینی؛ صحیفه امام؛ ج ۱۶، ص ۳۴۹-۳۵۱.
۴۰. سید محمد بهشتی؛ ولایت، رهبری، روحانیت؛ ص ۳۰۶-۳۰۷.
۴۱. سید علی حسینی خامنه‌ای؛ (الف). اندیشه‌های راهبردی (۴): تبلیغ دینی؛ ص ۱۲.
۴۲. بیژن عبدالکریمی؛ آینده روحانیت و جهان معاصر؛ ص ۱۷۷.

منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. آزاد ارمکی، تقی و غلامرضا غفاری؛ جامعه‌شناسی نسلی در ایران؛ تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳.
۳. اراکی، محسن؛ نظریه‌ی الحکم فی الاسلام؛ قم: مجمع اندیشه اسلامی، ۱۴۲۵ق.
۴. الگار، حامد؛ دین و دولت در ایران: نقش علمادر دوره قاجار؛ ترجمه ابوالقاسم سزّی؛ تهران: توس، ۱۳۹۶.
۵. موسوی خمینی، سید روح‌الله؛ صحیفه‌ی امام، (۲۲ ج)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹.
۶. بهشتی، سید محمد؛ ولایت، رهبری، روحانیت؛ تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی، ۱۳۸۶.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد؛ تصنیف غررالحکم و دررالکلم؛ تحقیق: مصطفی درایتی؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۶.
۸. حسینی خامنه‌ای، سید علی؛ اندیشه‌های راهبردی (۴): تبلیغ دینی؛ تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، [بی‌تا].
۹. حسینی خامنه‌ای، سید علی؛ ب). اندیشه‌های راهبردی (۲): تهاجم فرهنگی و جنگ نرم؛ تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، [بی‌تا].
- شجاعی‌زند، علی‌رضا؛ «مسیرهای محتمل در عرفی‌شدن ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران؛ دوره ۷، ش ۱، بهار ۱۳۸۵. ص ۳۰-۶۵.
۱۰. شریف‌رضی، محمدبن حسین؛ نهج‌البلاغه؛ تحقیق: عزیزالله عطاردی؛ قم: مؤسسه نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق.
۱۱. صادقی، سید محمد؛ تقدی بر حکومت‌های دینی (مدینه‌ای به غایت فاضله)؛ تهران: پیام بهاران، ۱۳۹۷.
۱۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه؛ علل الشرایع؛ ج ۲، قم: کتابفروشی داورى، ۱۳۸۶ق.
۱۳. عباسی، حسن؛ «کارآمدی ایدئولوژیک»، کارآمدی نظام جمهوری اسلامی؛ به کوشش محسن مؤمنی؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۹.
۱۴. عبدالکریمی، بیژن؛ آینده روحانیت و جهان معاصر؛ تهران: نقد فرهنگ، ۱۳۹۸.
۱۵. قنبری برزبان، علی و رضا همتی؛ «هویت دینی در جامعه ایرانی: مرور نظام‌مند مطالعات انجام شده (۱۳۸۰-۱۳۹۲)»، جامعه‌شناسی کاربردی، س ۲۶، شماره پیاپی (۵۹)، ش ۳، پاییز ۱۳۹۴، ص ۱۱۷-۱۳۸.
۱۶. کریمی پرویز، محمد؛ سیاست و دینداری در اسلام: بازخوانی آراء و اندیشه‌های مصطفی ملکیان درباره حکومت دینی، سکولاریزم و رابطه این دو، قم: آتریس، ۱۳۹۴.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ ج ۸، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۸. کمپفر، انگلبرت؛ سفرنامه کمپفر؛ ترجمه کیکاووس جهانداری؛ تهران: خوارزمی، ۱۴۰۰.
- مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار استاد شهید مطهری؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۶.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر؛ انوار الفقاهه: کتاب البیع، قم: مدرسة الإمام علی بن أبی طالب، ۱۴۲۵ق.
۲۰. منصورنژاد، محمد؛ «آسیب‌شناسی تعامل روحانیت و نسل جوان»، همایش ملی مناسبات روحانیت و نسل جوان (مجموعه مقالات علمی)؛ ج ۲، به کوشش محمدرضا ضمیری و علی باقری‌فر؛ زیر نظر حسن خیرى؛ قم:

۸. «رضایت‌مندی هفتاد درصدی مردم نتیجه اقدام جهادی قوه قضائیه است»، ۱۴۰۰/۴/۱۰، در: <https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=48227>
۹. «گزارش «ایران» از رقابت بازارهای پول، سرمایه، مسکن و طلا و ارز در جذب سرمایه: جذاب‌ترین بازار سرمایه‌گذاری»، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱، در: <http://iran-newspaper.com/Newspaper/Block-Print/57070>
۱۰. «مواضع صریح مراجع تقلید درباره رباخواری بانک‌ها»، ۱۳۹۵/۱۱/۲۷، در: <https://www.isna.ir/news/95112618709>
۱۱. «ویژگی‌های مشترک سیاسی، اخلاقی و مدیریتی امامین انقلاب»، ۱۴۰۱/۳/۱۷، در: <http://www.shoma-weekly.ir/fa/news/35264>
- پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۸.
۲۱. هاشمیان، سید محمدحسین و سید علی میرمطلبی؛ «بررسی کارویژه‌های روحانیت در تعامل با نظام جمهوری اسلامی به‌مثابه مؤثرترین ساختار سیاست سبک زندگی و دینداری از منظر رهبران انقلاب»، پژوهش‌نامه سبک زندگی؛ ش ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۹۹، ص ۱۴۵-۱۶۹
- منابع اینترنتی:**
۱. «بیانات در دیدار اعضای هیأت‌های نظارت شورای نگهبان»، ۱۳۷۴/۱۱/۱۴، در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2782>
۲. «بیانات در دیدار کارگزاران نظام»، ۱۳۸۳/۸/۶، در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3256>
۳. «بیانات در دیدار مردم استان بوشهر»، ۱۳۷۰/۱۰/۱۱، در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2540>
۴. «بیانات در دیدار مسئولان نظام»، ۱۴۰۱/۱/۲۳، در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=50037>
۵. «بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران»، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، در: <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
۶. «جوانان در دام شبکه‌های عنکبوتی هرمی»، ۱۳۸۹/۱/۲۹، در: <http://www.rajanews.com/news/32758>
۷. «حکومت دینی دین مردم را تضعیف می‌کند / من اسلام را دین کاملی می‌دانم، اما حکومت دینی را نفی می‌کنم»، ۱۳۹۵/۵/۴، در: <https://www.mashregnews.ir/news/608538/>
۷. «دینداری بعد از انقلاب بهتر شده است»، ۱۳۹۸/۵/۱۹، در: <https://farhikhtegandaily.com/news/30457>